تومان فضای بومی متفاوتی دارد

بازار اظهارنظرها درباره فیلم‌های جشنواره داغ است و هرکسی براساس تخصصی که دارد، فیلم‌ها را ارزیابی می‌کند. امیرحسین قدسی، طراح صحنه که امسال فیلم «دوزیست» را در جشنواره دارد، معتقد است فیلم «تومان» ساخته مرتضی فرشباف فضای بومی تازه‌ای دارد.

قدسی به ستاد خبری سی و هشتمین جشنواره فیلم فجر گفته: طراحی صحنه را ممکن است در کمتر فیلمی ببینیم اما در این فیلم با فضای جدیدی از شهر گنبد و نوع زندگی جوانان آن آشنا می‌شویم که به خوبی طراحی شده و اتمسفر تازه‌ای در فیلم ایجاد کرده است.

قدسی فضاسازی این شهر معاصر را تحسین کرد و افزود: کمتر شاید باور کنیم در شهرهایی مانند گنبد جوانان شهری شده‌اند چراکه فضای بومی در شهرستان‌ها برای ما تعریف شده است و به این فضا عادت کرده‌ایم که در این فیلم به‌خوبی در طراحی صحنه به این مسأله دقت شده است.

ویژه جشنواره فیلم فجر

«خروج» آخرین ساخته حاتمی‌کیا جنجر بازخوردهای زیادی داشت

اعتراض

وقتی روستا نقص فنی پیدا می‌کند

«خروج» بیستمین ساخته ابراهیم حاتمی‌کیا در مقام کارگردان است. فیلمی که نویسندگی‌اش را خود او برعهده دارد. این فیلم زندگی گروهی کشاورز را روایت می‌کند که در منطقه‌ای نفت‌خیز به زراعت محصولاتی مانند پنبه و ذرت می‌پردازند اما به ناگاه محصولشان براثر استفاده از آب‌شور سد خاکی از بین می‌رود و این آغاز نزاع بین مردم و مقامات محلی است. در این بین وعده‌هایی که برای کمک به کشاورزان داده می‌شود هیچ‌کدام به نتیجه نمی‌رسد. کشاورزان هم تصمیم می‌گیرند که برای رسیدگی به وضعیتشان به تهران و ریاست جمهوری بروند و این ماجرا آغاز درگیری‌ها و تنش‌هایی است که بین اهالی روستا، مقامات محلی و حتی مأموران امنیتی در مسیر حرکت به سمت پایتخت رخ می‌دهد.

فرامرز قریبیان که در خروج نقش «رحمت بخشی» را بازی می‌کند و از رزمندگان سال‌های دفاع مقدس است، تصمیم‌گیرنده خروج از روستاست. خروجی که قرار است تا در دیدار با رئیس‌جمهور بتواند مشکلات کشاورزان را رفع کند. اما کار به این آسانی‌ها نیست. او با یادآوری ماجرای ابتدای فیلم در روزی که رئیس‌جمهور برای افتتاح پروژه نفتی به منطقه آن‌ها آمده است و به دلیل نقص فنی، بالگرد رئیس‌جمهور در مزرعه او فرود می‌آید به دنبال رفع نقص فنی روستا با مساعدت رئیس‌جمهور است. نقص فنی که ریشه اصلی نارضایتی روستائیان شده است.

خطر لورفتن داستان

«خروج» حرف امروز مردم است

مهدی فقیه

بازیگر فیلم خروج

من شیرازهستم و هنوز فرصت نکردم که فیلم را ببینم اما باید درباره اش بگویم که «خروج» کار بسیار بسیار سخت و دشواری بود، چون آقای حاتمی‌کیا جزو کارگردانانی است که به راحتی از سکانس‌ها و اتفاق‌هایی که باید شکل بگیرد، نمی‌گذرد. علاوه بر این اتفاق خوب دیگری که در این فیلم برای من وجود داشت، همکاری با خیلی از بازیگران هم نسل خودم مخصوصا آقای فرامرز قریبیان بود. ما بیش از ۲۰ سال قبل در فیلمی به نام «یاغی» (محصول سال ۷۶) هم با یکدیگر کار کرده بودیم و خروج، دومین فیلمی بود که من افتخار داشتم در خدمت ایشان باشم.

من در فیلم خروج نقش یک فرد مومن و روستایی را بازی می‌کنم که اهالی روستا پشت سرش نماز جماعت می خوانند و به لحاظ چهره، تقریبا تماشاگر همان شکل و شمایل خودم را می بیند. اما این نقش دشواری‌هایی داشت از جمله این که ملاآقا باید در بخشی از کار سوار تراکتور می شد، مسئله ای که از آن چیزی نمی‌دانستم و در واقع بلد نبودم که با چنین وسیله ای چطور باید کار کرد، در هر صورت به واسطه قصه آن را یاد گرفتم و کار را پیش بردیم.

همان طور که می دانید خروج داستان روستاییانی است که هر کدام از آن‌ها خانواده یک یا چند شهید هستند و در فضایی که زندگی می‌کنند مشکلات و سختی‌هایی دارند که برای آن به فرماندار و هر مسؤولی که می‌شود مراجعه می‌کنند؛ در نهایت هم تصمیم می گیرند که با تراکتورهایشان به تهران بیایند و حرف‌هایشان را بزنند.

قصه این فیلم دارای موضوع اجتماعی بسیار خوبی است و من فکر می‌کنم که امروز به چنین موضوعات و سوژه‌هایی بسیار نیاز داریم. تا الان هم خیلی از منتقدان از این اثر تعریف کردند و آن را جزو ده فیلم برتر می دانند. ضمن این که بحث مختص منطقه به‌خصوصی نیست و نام هم برده نمی‌شود که این اتفاقات در چه محیطی می افتد. حتی من در این فیلم آن لهجه شیرازی خودم را هم ندارم. به عبارت دیگر با یک مقوله اجتماعی جامع روبه رو هستیم که می تواند نگاه‌های مختلفی را به خود جلب کند.

من در همکاری که با حاتمی‌کیا داشتم تمام سعی‌ام را کردم که خودم را در اختیار کار بگذارم، ایشان هم به کارش بسیار وارد است و در ژانر دفاع مقدس کارهای زیادی داشتند و به موضوعات این چنینی معروف اند.

من هم بیشتر در این گونه سینمایی به عنوان بازیگر فعالیت کرده ام. اما هیچ گاه طی این سال‌ها پیش نیامده بود با هم همکاری کنیم و خیلی دلم می خواست با ایشان کار کنم. اصولا هر بازیگری دلش می خواهد با کارگردانی مثل آقای حاتمی‌کیا کار کند. خب، این اتفاق در خروج افتاد. او انسانی شریف و بسیار والامقام است و خوشحالم در خدمتشان بودم.

در کنار این‌ها وجه تمایز خروج با خیلی از کارهایی که در چنین قالبی ساخته می شوند این است که این اثر شامل جریان اجتماعی امروز و حرف مردم است. من همیشه گفته ام که در هرژانری حتی کمدی یکی از چیزهای بسیار مهم این است که اثر مفاهیم انسانی داشته باشد چرا که در این صورت است که ماندگار می‌شود.

این فیلم هم به دور از شعار مجموعه ای از این مفاهیم را در خود دارد، جریانی که باعث می‌شود با اقبال هم روبه رو شود و مخاطب حس نکند با یکسری شعار و تکرار مواجه شده است.

وقتی با آقای قریبیان صحبت کردم، او هم درباره این کار بیان کرده بود که از متن این اثر خیلی خوشش آمده و دلیل اصلی که آن را پذیرفته همین موضوع است. به هر حال قریبیان هم تحصیلکرده این حوزه است و تجربه کارگردانی هم دارد. او سینما را می فهمد و به قول نوید محمدزاده، قریبیان نگاه خود سینماست.

او تصویر را به خوبی می شناسد و همه این‌ها کمک زیادی برای این نقش و شکل گیری فضا بود.

مضاف بر این‌ها انتخاب‌های آقای حاتمی‌کیا بسیار درست و به موقع بود چراکه هر کدام از آن‌ها می توانند به اثر و شخصیت‌ها جان بدهند و در نهایت آن اتفاقی که باید را رقم بزنند و باعث شوند تا کار آن طور که باید از آب دربیاید.

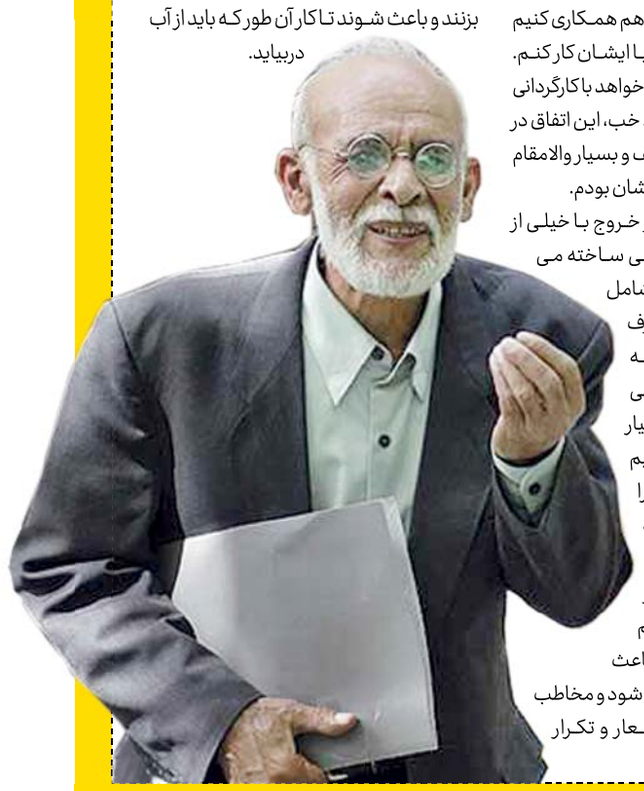

بازگشت متفاوت قریبیان

حضور فرامرز قریبیان در آثار مسعود کیمیایی در پیش از انقلاب و در دهه شصت از او یک قهرمان جسور و با اراده درست کرد که در کمال خونسردی می‌تواند از پس هر اتفاقی بر بیاید. قریبیان با «تجارت» کیمیایی فصل جدیدی در کارنامه‌اش باز کرد و با «مرد بارانی» توانست شمایل متفاوتی از خود روی پرده نشان دهد. اگر چه دغدغه‌های کارگردانی هیچ گاه دست از سر بازیگر کهنه‌کار سینمای ایران برنداشت، اما او همواره جزو جدانشدنی قهرمان‌های فیلم‌های دهه‌های ۶۰ و ۷۰ بود. حتی اگر حضورش در «دو نفر و نصفی» ذائقه طنز او را به مخاطب بیشتر نشان داد.

حالا فرامرز قریبیان پس از چند سال دوری از بازیگری در سالی که در سینمای جهان رابرت دنیرو و آل پاچینو دو بازیگر محبوب زندگی‌اش با «مرد ایرلندی» دوباره روزهای خوش گذشته را تداعی کرده‌اند، در آستانه ۸۰ سالگی به دنیای سینما برگشته تا آواز قوی خود را با فیلم کنجکاوی برانگیز «خروج» اثر ابراهیم حاتمی‌کیا سر دهد. قطعا اگر بخواهیم یکی از مهم‌ترین اتفاقات جشنواره فجر امسال را نام ببریم، بازگشت قریبیان ستاره سینمای موج نو و قهرمان بسیاری از فیلم‌های درجه یک سینمای ایران است. بازیگری که بازگشت این روزهایش به سینما ما را به یاد فصل به یادماندنی دیالوگ‌های سید خطاب به قدرت در «گوزنها» می‌اندازد: وقتی رفتی نفهمیدیم کی رفته حالا که اومدی می‌فهمیم کی اومده، هنوزم کم حرف می‌زنی، هنوزم ماتی، هنوز تو چشات عشقه... صفای قدمت.

برای فیلم «خروج» ابراهیم حاتمی‌کیا

هنر اعتراضی، واقعیت را به مردم می‌گوید

مصطفی اقلیما

جامعه‌شناس

در هیچ کشوری برای اعتراض مردم فیلم نمی‌سازند بلکه سینما فقط جنبه تجاری دارد و فیلم‌های خاص که درباره اعتراض ساخته می‌شود مختص مردم نیست.

به عنوان مثال زمانی که درباره اعتیاد فیلمی ساخته می‌شود درباره علل آن صحبت نمی‌شود زیرا کسی برای دیدن آن فیلم پولی نمی‌دهد بلکه درگیری چند نفر با پلیس را نشان می‌دهند زیرا این موضوع بیش‌تر مورد توجه مخاطبان قرار می‌گیرد.

به طور کلی فیلمسازی موفق‌تر است که فیلمنامه ای بنویسد که بتواند از طریق آن پول درآورد. همچنین مردم بیش‌تر جذب فیلم‌های کمدی می‌شوند و فیلم‌های اجتماعی مخاطبان کمتری دارد. بنابراین فیلم‌هایی که هیجان را بالا می برند برای مردم ساخته می‌شود و در نتیجه فیلمی که آگاهی مردم را بالا ببرد ساخته نمی‌شود. مردم به سمت فیلمی که آنها را به تفکر وادار کند نمی روند در نتیجه اگر گفته می‌شود که فیلم سیاسی هم ساخته می‌شود دروغ است.

هنر اعتراضی هنری است که واقعیت را به مردم بگوید. اول باید بررسی کنیم مشکل موجود در جامعه از کجا شروع شده است و اگر فردی قانون را رعایت نمی‌کند چه دلایلی دارد. متاسفانه فیلم‌ها علت را نشان نمی دهند مثلا اگر فردی اعتیاد دارد گفته نمی‌شود که جامعه از کودکی چه شرایطی برای آن فرد به وجود آورده که به انتها رسیده و معتاد شده است.

همچنین اگر فردی قاتل می‌شود باید علل را بررسی کنیم زیرا هیچ کسی یک شبه آدمکش نمی‌شود. باید راه حل‌ها گفته شود تا یک فیلم کامل باشد.

فیلم‌هایی که ساخته می شوند ماندگار نمی شوند و علت آن این است که با مردم رو راست نیستند و فقط مادیات را مد نظر قرار می‌دهند، در صورتی که وظیفه هنر این است که مشکلات جامعه را بازگو کند.

در هر جامعه ای باید درباره مشکلات سیاسی و اجتماعی صحبت شود و سینما این توانایی را دارد که صدای مردم باشد و علل را ریشه یابی کند.

این و خاص‌ترین تجربه کاری اش می داند

پیرمردها هست

یم‌گیری شما تاثیری بگذارد؟

فیلمنامه را نخواندیم و بعد از نمی‌کیا بود که درباره بازی کردن یم. این بیستمین فیلم ایشان ربه کارگردانی پختگی خاصی را همین دلیل هم دوست داشتم شته باشم. این را هم اضافه کنم وز یکبار به دست ما می‌رسید و واندیم و بازی می کردیم. در واقع رمی‌کردیم.

د که شما و جمع دیگری از قدیمی‌های سینما دور هم جمع م بازی کردید.

ایجاب می کرد ما پیرمردها دور خصیت‌های خروج همه پیرمرد ایی که زمین‌هایشان از بین رفته و ون کسی به آنها توجهی نمی‌کند و شود خودشان تصمیم می‌گیرند ن را با رئیس جمهور حل کنند. ه ما هم در این فیلم دور هم جمع ل‌ها همدیگر را دیدیم.

ی جمع شدید که سلبریتی محور ی‌دهد سینما هنوز هم جایی برای

هم پیر نیستیم و دلمان جوان کته مهمی است که اشاره کردید. د هنوز هم در سینما جایی برای یلم علاوه بر موضوع از این نظر ب آثار جشنواره روندی متفاوت لم که در این کار از هر نظر متفاوت

حضور داشته ام.

فیلم را در سینما ها همراه با مردم دیده اید؟

نه متاسفانه. من زنجان بودم و مشغول کار تازه‌ام. اما به زودی همراه با مردم تماشایش می‌کنم تا ببینم درباره فیلمی که می‌خواهد از حق آنها حرف بزند چه نظری دارند.

انتقاداتی نسبت به روند خروج مطرح شده است. آنها را هم نخوانده اید؟

هنوز نه اما قطعا می خوانم. هیچ کاری بی‌نقص نیست و طبیعی است منتقدان و مخاطبان هر کدام نظر خود را بیان کنند. اما من خودم واقعا کار را دوست داشتم، اثری اجتماعی که به درد مردم می‌پردازد و می‌رود سراغ نقاط حساسی که کمتر کسی واقعا جسارت پرداختن به آنها را در سینما دارد. امیدوارم این روند ادامه پیدا کند و اعتراض‌های مردم بتواند خود را در سینما نشان دهد.

کار کردن با آقای حاتمی‌کیا چطور بود؟

حاتمی‌کیا شیوه خاص خودش را دارد. کار کردن با او سخت اما جذاب است، او دکوپاژهای کار را همزمان با دوربین موبایلش انجام می‌دهد و همین باعث می‌شد برخی صحنه‌ها را چندین و چند بار تکرار کنیم و در نقش‌مان جا بیفتیم. شیوه کارگردانی متفاوتی داشتند و خلاصه همه جوره تجربه متفاوتی بود.

پس از این تجربه راضی هستید.

بله اما باید بگویم سخت ترین کار من بود. حدود سه‌ماه در بیابان بودن و تحمل گرمای شدید از یک طرف و تحمل سرمای کاشان و مشهد اردهال در یک طرف دیگر هم مزید بر علت شد و کار را برایمان سخت تر کرد. اما با این همه، تجربه خاص و تازه ای بود.

مهدی فقیه: من فکر می‌کنم که امروز به سوژه‌های اجتماعی و اعتراضی بسیار نیاز داریم. خوشحالم که تاکنون منتقدان «خروج» را جزو ۱۰ فیلم برتر این دوره از جشنواره دانسته‌اند

یادداشت

عباس آژانس شیشه‌ای با تراکتور در خروج

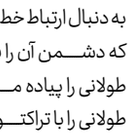

علی زادمهر

منتقد سینما

حاتمی‌کیا در آخرین فیلم خود به نام خروج به اعتراض جمعی از کشاورزان پنبه‌کار به سیاست‌های دولت پرداخته است. این کشاورزان به دلیل آن‌که با احداث یك سد آبی زمین‌هایشان از بین رفته است با تراکتورهای خود برای اعتراض به تهران می‌آیند تا حرف خود را به رئیس‌جمهور بزنند. خروج در ظاهر داستان ساده‌تری نسبت به فیلم‌های قبلی حاتمی‌کیا دارد و هر چند حاتمی‌کیا تلاش دارد در فیلم نشان دهد رئیس همه موفقیت‌ها و مشکلات در کشور رئیس‌جمهور است و به صورت عمدی نیز با نشانه‌گذاری‌هایی می‌خواهد بگوید منظورش حسن روحانی، رئیس‌جمهور فعلی است، اما به صورت جدی به نقد او نمی‌پردازد، بلکه بیشتر به نقد اطرافیان رئیس‌جمهور و کارگزاران او از فرمانداران منطقه تا شناخته‌ترین مشاور او می‌پردازد و می‌خواهد نشان دهد این اطرافیان رئیس‌جمهور هستند که نمی‌خواهد صدای مردم به او برسد. خروج، یك فیلم جاده‌ای است که بیننده را به یاد فیلم‌هایی همچون دیده‌بان و آژانس شیشه‌ای می‌اندازد و همان نشانه‌ها را یادآوری می‌کند. اگر در دیده‌بان شخصیت اصلی به دنبال ارتباط خط کمین با نیروهای خودی است که دشمن آن را قطع کرده و برای این کار مسیر طولانی را پیاده می‌رود، این بار رحمت مسیر طولانی را با تراکتور می‌رود تا صدای مردم را به رئیس‌جمهور برساند. اگر در آژانس شیشه‌ای، عباس قبل از جنگ زمین داشت و به جنگ رفت و زمانی که برگشت تراکتور نداشت امروز رحمت قهرمان فیلم خروج، هم پسر خود را برای کشور اهدا کرده و هم این‌که زمینش را از دست داده است و دیگر تراکتور هم به درد او نمی‌خورد.

حاتمی‌کیا در خروج هر چند قصد داشته اطرفیان رئیس‌جمهور را نقد کند، اما مانند فیلم قبلی در برخی سکانس‌ها غلو شده و حتی به سمت استهزاء نیز رفته است؛ به طور مثال در صحنه‌ای که شریفی‌نیا در نقش مشاور عالی رئیس‌جمهور با روستاییان دیدار می‌کند بیننده شاهد است چند نفر با تلفن‌همراه و دوربین در حال تصویربرداری از این لحظه هستند. ریتم و درونمایه فیلم خروج تا قبل از ورود محمدرضا شریفی‌نیا خوب است، اما بعد از ورود او کمی ریتم کند و داستان از خط اصلی دور می‌شود. انتخاب بازیگران نیز از جمله نکات مثبت فیلم است. فرامرز قریبیان پس از سال‌ها دوری از سینما با این فیلم به جشنواره فیلم فجر آمده و نقش‌آفرینی او می‌تواند در این فیلم یکی از بخت‌های اصلی برای کسب سیمرغ بلورین بهترین بازیگر نقش اول مرد باشد. نکته تعجب‌برانگیز درباره بازیگران این فیلم نیز این است که چهره‌پردازی یکی از زنان روستایی که توسط پانته‌آ پناهی‌ها ایفا می‌شود، بسیار شبیه نقشی است که او در فیلم نفس ساخته نرگس آبیار ایفا کرده است. حاتمی کیا پایان فیلم را باز گذاشته است. وقتی رحمت (فرامرز قریبیان) بعد از کش و قوس‌های فراوان به شخص رئیس‌جمهور می‌رسد ما نمی‌بینیم به رئیس‌جمهور چه می‌خواهد بگوید و حتی قبل از دیدارش با او نیز وقتی یکی از مسؤولان دفتر از او می‌پرسد چه می‌خواهی به رئیس‌جمهور بگویی، او پاسخی نمی‌دهد.

خروج بهتر از فیلم قبلی حاتمی‌کیا به نام به وقت شام است و داستان خود را ساده‌تر و سرراست‌تر تعریف می‌کند، اما چند سوال بعد از نمایش این فیلم در ذهن بیننده ایجاد می‌شود؛ آیا می‌توان در زمانه‌ای که همه به‌شدت از دولت انتقاد می‌کنند ساخت چنین فیلمی را یك مزیت دانست یا خیر؟ آیا حاتمی‌کیا می‌تواند درباره بخش‌های دیگر کشور چنین فیلمی بسازد؟ آیا ساخت فیلم خروج و نمایش آن در جشنواره فیلم فجر نشانه سعه صدر دولت حسن روحانی است؟ و آیا سایر دولت‌های پیش از او چنین سعه صدری داشتند؟